

تحلیل نقش انجمن‌های صدر مشروطیت در سقوط مجلس اول

محمد سلطانی فر*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۴

علیرضا باقری ده‌آبادی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۶

چکیده: نقش انجمن‌های صدر مشروطه در تخریب ارکان نظام نوپای سیاسی در ایران و به‌ویژه سقوط مجلس اول از وسعت و ابعاد کافی در تاریخ معاصر برخوردار بوده و حتی نوعی انحصار نزد غالب تحلیل‌گران سیاسی برای این عامل بوجود آورده است. آنچه که مشخص است تحولات سال‌های آغازین مشروطه و به‌ویژه سقوط مجلس اول، ارتباط وثیقی با عملکرد انجمن‌های این دوره پیدا کرده است و از هر حیث قضاوت در خصوص کارنامه انجمن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. با وجود این، هرگونه تحلیل و ارزیابی در خصوص عملکرد انجمن‌های صدر مشروطه، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور، آسیب‌جائی به قضاوت نهایی وارد می‌کند. در نوشتار حاضر نویسندگان با پرسش از نحوه ارتباط مجلس با انجمن‌ها، تلاش نموده‌اند تا تفسیری جامع از چرایی سقوط مجلس اول با تأکید بر نقش انجمن‌ها ارائه نمایند. بررسی نویسندگان حکایت از آن دارد که: اگرچه انجمن‌ها و برخی جراید برآمده از نظام مشروطه، نقش به‌سزایی در رادیکالیزه کردن فضا داشتند، اما شواهدی نیز وجود دارد نشان می‌دهد نقش عوامل دیگر سازمانی و محیطی به مراتب بیشتر بوده است. به عبارت دیگر، انجمن‌ها عامل اصلی در سقوط مجلس اول نبوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه، انجمن‌های صدر مشروطه، مجلس شورای ملی، مطبوعات، قانون اساسی.

مقدمه

اگرچه استقرار مشروطیت در ایران از فراز و فرودهای گسترده‌ای برخوردار بوده، اما وجه مثبت این حرکت تکثر و مشارکت متنوع نیروهای عمل‌کننده در جریان انقلاب و حوادث پس از آن بود که البته این مسئله خود بعدها عاملی در جهت بروز اختلافات و همچنین مطالبات متنوع در سطح نیروهای سیاسی حاضر در میدان گردید. در این میان رادیکالیسم حاکم بر کارکرد انجمن‌های صدر مشروطه که نقش بارزی در تحولات قبل و پس از انقلاب مشروطه داشت، همواره از سوی پژوهشگران و مورخین به‌عنوان عامل مهم سقوط مجلس اول به‌شمار رفته است. در این رابطه اگرچه مدارک و مستندات کافی برای رفتار تند انجمن‌های صدر مشروطه به‌قدر کافی وجود دارد و عمدتاً تحلیلگران سیاسی معاصر نیز از همین زاویه و با استناد به همین شواهد، به صورت مبسوط به موضوع پرداخته‌اند، اما بررسی این مسئله که چرا از میان همه عوامل موجود در خصوص سقوط مجلس اول، تا این اندازه کارکرد انجمن‌های صدر مشروطه و اساساً میزان نقش آنها دچار برجستگی شده، موضوعی است که برغم ردپای برجسته آن در حوادث مشروطه، تاکنون از سوی محققین به‌صورت مجزا به آن پرداخته نشده است.

شیوه اصلی در این پژوهش بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی و استفاده از روش اسنادی است که سعی دارد ضمن تحلیل و بازنمایی مناسبات حاکم میان دولت، مجلس و انجمن‌ها، به دلایل برجستگی نقش انجمن‌ها و اساساً میزان صحت چنین ادعایی، پاسخ دهد. در واقع بررسی پیرامون ساختار و کارکرد انجمن‌های صدر مشروطه و نوع تعامل آنها با دیگر اجزای قدرت سیاسی، برای یافتن پاسخی که خاستگاه نگاه و یا تحلیل فوق را پوشش دهد و یا متقابلاً شواهدی بر رد آن بیان دارد؛ از اهداف دیگر این تحقیق به‌شمار می‌رود.

اولین دوره مجلس مشروطه (۱۲۸۷-۱۲۸۵) از هر حیث در تاریخ سیاسی معاصر ایران دارای اهمیت است. چنانکه سقوط زود هنگام آن نیز از همین زاویه منشاء بسیاری از رویدادهای تلخ و تأثیرگذار نظیر از دست رفتن فرصت اصلاح و نهادسازی در کشور شد. ترکیب مجلس اول که به نوعی بیانگر حضور طبقه متوسط سنتی در ساختار قدرت سیاسی بود، از ۲۶ درصد نمایندگان رؤسای اصناف، ۲۰ درصد روحانیون و ۱۵ درصد از تجار و بازرگانان تشکیل شده بود (شجیعی، ۱۳۴۴: ۱۷۶)؛ که به‌نوعی خصلت محافظه‌کارانه نیز به آن بخشیده بود. هر چند در این مجلس افراد برجسته‌ای نیز حضور داشتند که درک دقیق و مناسبی از اوضاع داشتند، اما فشار زایدالوصف خارج از مجلس به‌ویژه از سوی مطبوعات و انجمن‌های رادیکال جهت سرعت عمل در تصمیم و اجرای برخی مسائل، این دوره از مجلس و تصمیمات آن را حاشیه زیادی مواجه ساخته است. با در نظر گرفتن مسائل فوق، تحلیل

عملکرد انجمن‌های صدر مشروطه برای درک بهتر نقش و میزان تأثیر آنها می‌تواند به روشن شدن ابعاد قضاوت پیرامون نقش انجمن‌ها در روند حوادث آتی بیانجامد.

۱. پیشنهادشناسی انجمن‌ها در ایران

عمده‌ترین تشکّل‌های سیاسی که خواستار ایجاد اصلاحات در ساختار هرم قدرت و حکومت در ایران بودند، در دوران ناصرالدین شاه به‌وجود آمدند. درک و اجرای اصلاحات مهم‌ترین دغدغه این تشکّل‌ها بود که همراه کردن علما و قشر آگاه جامعه با این منظور، هدف اصلی آنها را تشکیل می‌داد. نکته مهم در این میان، میل و استقبال اولیه حکومت به ایجاد چنین تشکلاتی به‌صورت رسمی در کشور بود که تأسیس انجمن معارف در سال ۱۲۷۷ شمسی و به تبع آن روزنامه معارف نقطه اوج آن بود. در خصوص کارکرد و نقش انجمن‌های پیش و پس از مشروطه، تفاوت ماهوی وجود دارد و در تحلیل نهایی نباید نقش انجمن‌ها در این دو دوره، یکسان تلقی شود.

۱-۱. بررسی عملکرد انجمن‌های پیش از مشروطه

انجمن‌های پیش از مشروطه، هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ رفتار سیاسی نقش بسیار مهمی را در برپایی جنبش مشروطه ایفا کردند. این تشکّل‌های سیاسی نخستین، در عملکرد خود یک هدف مشترک داشتند که آگاه کردن و تنویر افکار عمومی در برخورد با پدیده‌های موجود در جامعه بود. تأکید این تشکّل‌ها بر اجرای قانون در جامعه، ترکیب حساب شده و منسجم اعضای انجمن، شرکت فعال آزادی‌خواهان در انجمن‌ها و پرهیز از مباحث افراطی و تنش‌زا در این دوره، از ویژگی‌های مهمی بود که عمده این انجمن‌ها از آن برخوردار بودند.

یکی از وجوه مهم افتراق انجمن‌های قبل و پس از مشروطه، فعالیت پنهان اکثریت انجمن‌های پیش از مشروطه است که این موضوع برخاسته از دو عامل بود؛ نخست، موضوع کاری انجمن‌ها که عمدتاً حول و حوش مباحث سیاسی کشور می‌چرخید و دیگر، فضای استبدادی و اختناق قبل از مشروطه. اما با تمام این اوصاف، نظم حاکم بر عملکرد این انجمن‌ها و ایجاد ارتباط با نشریات خارج و داخل کشور از مطالب مهمی است که بسیاری از محققان تاریخ مشروطه به آن اشاره کرده‌اند.

این انجمن‌ها به‌رغم این‌که از لحاظ عملکرد با یکدیگر در تضاد بودند، اما به‌ندرت در آنها تناقض رفتاری مشاهده می‌کنیم و حتی رسمی‌ترین آنها مانند انجمن معارف با وجود این‌که به دولت وابستگی داشت، نقش خود را به خوبی ایفا می‌کرد، چون بسیاری از آزادی‌خواهان که در این انجمن حضور داشتند به یک چیز معتقد بودند و آن ارتقای سطح آگاهی نوده جهت نیل به تنظیم روابط در جامعه بود.

اگر بخواهیم تصویری گویا و جامع از عملکرد انجمن‌های پیش از مشروطه ارائه دهیم، باید به دو نکته توجه کنیم: نخست، آشنایی بسیاری از اعضای انجمن با جهان غرب که دلایل پیشرفت و ترقی جوامع دیگر را همواره در مباحث و جلسات خود مطرح می‌کردند و دیگر این‌که به دنبال پاسخ، به این نتیجه می‌رسیدند که برای نیل به جامعه‌ای آزاد و قانونمند، ابتدا باید میزان آگاهی و دانش توده را ارتقا داد. همین بینش باعث شد که برای اولین بار اعضای این انجمن‌ها بسیاری از آثار و کتب بیگانه را ترجمه و منتشر کردند. به هر حال محققان به عملکرد انجمن‌های پیش از مشروطه و تلاش آنها در انسجام سیاسی و ارتباط با مبارزان و مطبوعات و... به دیده تحسین می‌نگرند. اما عمدتاً از عملکرد انجمن‌های پس از مشروطه شکوه و انتقاد دارند و بسیاری از هرج و مرج‌های سیاسی را ناشی از کارکرد آنها می‌دانند که البته این قضاوت، خود محل تأمل جدی دارد.

۱-۲. بررسی و شناخت انجمن‌های عصر مشروطه

پس از تأسیس مجلس و شکل‌گیری نظام مشروطه، انجمن‌های متعدد و مختلفی به وجود آمدند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد:

یک. انجمن‌های سیاسی - اجتماعی بودند که در واقع مقدمه تشکیل احزاب سیاسی محسوب می‌شوند.

دو. انجمن‌های شهری بودند که آنها نیز به نوعی جزء انجمن‌های سیاسی محسوب می‌شدند و در امور کشور دخالت می‌کردند.

سه. انجمن‌های ایالتی و ولایتی که تقریباً وظیفه‌ای شبیه شوراهای شهر امروز را به عهده داشتند. البته نباید انتظار داشت که این انجمن‌ها در جهت وظایف اصلی خود آن هم در اوان مشروطیت فعال بوده باشند، چون تا قبل از تدوین نظام‌نامه انجمن‌ها، عملکرد آنها در چارچوب خاصی قابل تحلیل و ارزیابی نیست (نک. کسروی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۶۵).

برخی نویسندگان معتقدند که آزادی مطبوعات به‌عنوان یکی از پیامدهای انقلاب مشروطه، منجر به تشکیل انجمن‌ها شد و تشکیل انجمن‌ها به گسترش مطبوعات انجامید (مولانا، ۱۳۵۸: ۱۵۱). اما این ظن نمی‌تواند صحیح باشد. چون اساساً تشکیل انجمن‌ها برگرفته از روح قانون اساسی (اصل ۲۱) بود که برای اولین بار آزادی اجتماعات را تضمین می‌کرد و از سویی سابقه ایجاد انجمن‌ها دست‌کم به لحاظ تاریخی به قبل از دوران مشروطیت می‌رسید و در این زمینه می‌توان گفت مشروطه به تکثیر و فعالیت آشکار انجمن‌ها کمک شایان توجهی کرد. در یک جمع‌بندی کلی، دستگاه انجمن، مطبوعات و مجلس شورای ملی، سه رکن عمده تحول ساز و تأثیرگذار بر جریان امور بودند تا جایی که محمدعلی شاه به فکر رخنه در انجمن‌ها

افتاد و نهایتاً در رمضان ۱۳۲۵ق، طی مراسم خاصی به عضویت جامع یا انجمن آدمیت در آمد و جامع آدمیت نیز تمام اعضای خود را ملزم کرد که از شاه قاجار حمایت کنند (رائین، ۱۳۵۷: ۶۷۳). هر چند پیرامون پیوستن شاه به جامع آدمیت قضاوت‌های متفاوتی از جمله ناچاری شاه از همراهی با مشروطه بعد از ایجاد فضای امتناع از توشیح متمم قانون اساسی بیان شده است (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۰-۹۱). با این وجود انجمن‌های زیادی نیز بودند که از همان ابتدا در جبهه شاه بودند. «عده‌ای از آنها (انجمن‌ها) از اول به‌وسیلهٔ هواخواهان مرکز استبداد و دربار بی‌خبر از خود، به وجود آمده بودند. اینان در وحدت شعار «زنده باد مشروطه» تنها اتفاق نظر داشتند، ولی در آغوش خود افرادی مانند... عباسقلی خان آدمیت و... را چون جان شیرین نگاه داشته و یا خود را به آغوش آنها افکنده بودند که در ته دل از محمد علی‌شاه جانبداری می‌کردند» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۲۲).

با در نظر گرفتن مطالب فوق دو مسئله را می‌توان در خصوص انجمن‌های صدر مشروطه بیان داشت. نخست آنکه نفوذ و تأثیر انجمن‌ها بر مسائل جاری کشور از سوی همه گروه‌ها به رسمیت شناخته شده بود و دیگر آنکه تکثر و نیروهای متفاوت عمل‌کننده در انجمن‌ها گویای تعلقات و خواست‌های متشنت آنها بوده است. شاید به همین دلیل، بسیاری از محققین از کنار عملکرد انجمن‌های صدر مشروطه عبور کرده‌اند و محققین چون فریدون آدمیت را به این اعتقاد رسانده است که هیچ تحقیق مضبوط و معتبری درباره انجمن‌های سیاسی به قلم نویسندگان داخلی و خارجی وجود ندارد (آدمیت، بی‌تا: ۱۳۲).

۲. ساختار سیاسی - اجتماعی انجمن‌ها

تأسیس انجمن‌های مختلف که برآمده از محیط سیاسی و ایجاد مشروطیت در ایران بود، با لایه‌های شکل‌دهندهٔ اجتماع آن روز ارتباط مستقیم و بسیار زیادی داشت تا جایی که کارکرد آنها نیز متأثر از جریان‌های برخاسته از آن و مسائلی چون جنس افراد حاضر در انجمن و تعداد نفرات آنها از ویژگی‌های مهم انجمن‌ها بود. «برتری و عظمت هر انجمن به عدهٔ نفرات و مجاهدین آن انجمن بود و هر قدر عدهٔ مجاهدین انجمن بیشتر بود، باعث افتخار آن انجمن می‌گردید» (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۲۰۹).

از نظر ترکیب اجتماعی، بسیاری از انجمن‌ها معرف طبقات و رده‌ها و اصناف شناخته شدهٔ جامعه و برخی نمایندهٔ مرام سیاسی و اجتماعی تقریباً مشخصی بودند. انجمن‌ها معمولاً خود را مشروطه‌خواه خوانده‌اند، اما در واقع از قماش مختلف بودند و به دلیل اقدامات افراطی و ناهماهنگی با سایر اجزای نو پای مشروطه، برخی محققین عملکرد آنها را منفع‌طلبانه، غیراصولی و پراکنده ارزیابی نموده‌اند (آدمیت، بی‌تا: ۱۳۵-۱۳۶).

انجمن‌ها اگرچه نقش مهمی در شکل‌گیری نهضت مشروطه داشتند، اما مانند بسیاری از نهادهای دیگر برآمده از مشروطه در رفتار سیاسی بسیار پُر مسئله بودند. به همین دلیل برخی نویسندگان به دلیل سابقه مثبت عملکرد آنها در پیش از مشروطه، گویا توقع زیادی از آنها داشته‌اند و به شدت ساختار انجمن‌ها و متعاقباً عملکرد آنها در جریانات پس از استقرار مشروطه را به باد نقد گرفته‌اند و عمدتاً از موضع تفکرات اجتماعی و سیاسی بر آنها تاخته‌اند (نک. آدمیت، بی تا: ۱۳۷).

این رویکرد اگرچه واقعیت‌هایی از عملکرد انجمن‌ها را بیان می‌دارد، اما در تحلیل نهایی خواهیم دید که ساختار سیاسی انجمن‌های این دوره به شدت متأثر از محیط سیاسی و اجتماعی مشروطه بوده و به دلیل تعریف نشدن رابطه بین ارکان حاکمیت که دولت و مجلس در راس قرار داشتند، بسیاری از نهادهای نوظهور همین وضعیت را داشتند. خصلت محافظه‌کارانه برخی نمایندگان، پاسخگو نبودن وزراء در مقابل مجلس و در جهت مقابل پاسخگو بودن به شاه، حملات شدید به برخی انتقادهای انجمن‌ها و مطبوعات از سوی برخی نمایندگان مجلس، تنها گوشه‌ای از مشکلاتی بود که انجمن‌ها را به رفتار افراطی وادار می‌نمود. مضافاً آنکه تبیین «مسئولیت مدنی» برای انجمن‌ها قبل از آنکه بر عهده خود انجمن‌ها باشد، وظیفه‌ای بود که باید دولت و مجلس آن را به انجام می‌رساندند.

یکی از ویژگی‌های مهم انجمن‌های این دوره که تأثیر به‌سزایی در قضاوت پیرامون عملکرد آنها دارد، پیوند با مطبوعات است، به نحوی که نام بسیاری از مطبوعات برگرفته از نام انجمن‌ها بود. هرچند این موضوع در سال‌های قبل از مشروطه نیز سابقه داشته و نمونه آن را می‌توان «انجمن» و «روزنامه معارف» دانست، اما پس از مشروطیت این روند رو به تزاید نهاد که از جمله می‌توان به انجمن اصفهان و روزنامه انجمن اصفهان، انجمن تبریز و روزنامه انجمن تبریز، انجمن اصناف و روزنامه انجمن اصناف، انجمن بلدیه و روزنامه انجمن بلدیه، انجمن اخوت و روزنامه انجمن اخوت، انجمن آدمیت و روزنامه آدمیت و... اشاره کرد (صدر هاشمی، بی تا، ج ۲: ۲۸۸-۲۹۵؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۱۹-۱۲۰).

در این زمان بسیاری از شهرهای کشور انجمن داشتند و برخی از این انجمن‌ها مانند، انجمن تبریز و اصفهان برای نشر مذاکرات خود روزنامه‌ای را تأسیس کرده بودند. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که سبب شد، روزنامه‌های انجمنی در این دوره افزایش یابد، تأسیس روزنامه مجلس بود که ابتدا به قصد درج مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی و سپس به نیت درج اخبار و مقالات سودمند منتشر می‌شد. شاهد این مدعا عنوان اولیه روزنامه انجمن تبریز بود که ابتدا نام مجلس را بر خود نهاد، اما پس از مدتی به انجمن تغییر نام داد.

نگاهی گذرا به بسیاری از روزنامه‌های انجمنی این دوره، صرف‌نظر از عقاید و کارکردهای متفاوت، تقلید از روند فوق را نشان می‌دهد. در واقع این روزنامه‌ها ناشر مذاکرات اعضای انجمن بودند و بدون این که به اظهارنظر و یا تحلیل مطالب مطرح شده اعضا بپردازند، عیناً مطالب را چاپ می‌کردند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، تفاوت ماهوی انجمن‌ها با یکدیگر از حیث جنس و قدرت تأثیرگذاری بود. برای نمونه انجمن اصناف [بازار] که وکلای واقعی خود را در مجلس داشتند، لرزه بر اندام محمد علی شاه می‌انداختند (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۲۱۰) و هرگاه نیاز بود با هماهنگی نمایندگان خود در مجلس، بازار را تعطیل نموده و هر کجا که لازم بود انجمن‌های دیگر را نیز با خود جهت برگزاری اجتماعات همراه می‌کردند. آنچه که باید در خصوص انجمن‌ها تأکید شود، پیدایش خودجوش و اقبال گسترده و بی‌سابقه مردم برای عضویت در آنها بود (خارابی، ۱۳۸۶: ۱۳) که به‌رغم برخی تحلیل‌های بدبینانه، بیانگر خواست مردم برای مشارکت در اداره کشور به‌شمار می‌رفت.

۳. روابط مجلس و انجمن‌ها

بررسی روابط مجلس و انجمن‌ها به‌عنوان دو تشکل برآمده از دل مشروطه، از این جهت اهمیت فراوانی دارد که برخی محققین سقوط مجلس را در نوع و کیفیت رابطه این دو نهاد ارزیابی کرده‌اند. در این رابطه، یک انتقاد اصولی که بر رویه انجمن‌ها وارد شده؛ به دخل و تصرف انجمن‌ها در کار مجلس، دولت و عدلیه راجع است به‌نحوی که انجمن‌ها بنابر یک فرض باطل، چنان که مخبرالسلطنه اظهار داشته، به خود اجازه می‌دادند که در در همه امور مداخله کنند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۲۵-۲۸ جمادی الثانی، ۱۱ و ۲۵ صفر).

با تمام این مطالب، موضع مجلس نسبت به انجمن‌ها کاملاً روشن بود. چون مجلس وجود انجمن‌ها را در نظام سیاسی جدید که برگرفته از نظام مشروطه پارلمانی بود، به رسمیت شناخته بود و اگر در این میان نمایندگان مجلس انتقاداتی را مطرح می‌کردند، ناظر بر هرج و مرج و رفتار افراطی برخی انجمن‌ها بود. با این وجود به دلیل ناهماهنگی میان اعضای برخی انجمن‌های منتفذ و نمایندگان مجلس، حتی هشدارهای واقع‌بینانه برخی از آنها مثل انجمن تبریز، درباره توطئه احتمالی محمدعلی شاه، به جایی نرسید و سید محمد طباطبایی به نمایندگی از مجلس، به انجمن مذکور نوشت:

«آنچه از تهران به شما نوشته‌اند، خلاف محض و کذب صرف است.

علیحضرت همایونی شاهنشاهی خلدالله ملکه و دوله، نسبت به مجلس مشاوره

ملی کمال مساعدت و همراهی را دارند... خیالات شما تماماً بی‌مأخذ است»
(قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

انتقاد دیگر که به نوع رفتار انجمن‌ها مربوط است، به روش خشن آنها در پیگیری مطالبات مطروحه باز می‌گشت که در این رفتار، خود را البته فارغ از رعایت هر گونه الزامی می‌دیدند. رفتار مجلس با این روش یکی دیگر از وجوه ارزیابی رابطه مجلس و انجمن‌ها است به‌ویژه آنجا که انجمن‌های افراطی یا را فراتر از اصول نقد می‌گذاشتند. در این زمان که برخی انجمن‌ها برای پیشبرد اهداف خود به روش‌های خشونت‌آمیز دست می‌زدند، نمایندگان مجلس که طبیعتاً در میان آنها افکار و آرای متفاوت رواج داشت، همواره آماج حمله انجمن‌ها و دسته‌های افراطی واقع می‌شدند (نک. آدمیت، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۵).

مجموعه سیاست‌های فوق که فضای بسیار متشتتی را در کشور به وجود آورده بود، مجلس را بر سر دوراهی قرار داد. از سویی مجلس و نمایندگان به کژرفتاری شاه معترض بودند و از سوی دیگر به دلیل عملکرد جبهه و انجمن‌های افراطی، در اندیشه تصفیه آنها بودند. در واقع این دو جبهه افراطی یعنی شاه و انجمن‌های افراطی در مقابل مجلس یک وجه مشترک داشتند و آن فارغ دانستن خود از الزامات دموکراتیک بود و همین موضوع مهر تأییدی است بر عملکرد خشن برخی انجمن‌های این دوره که ترور امین‌السلطان به دست یکی از اعضای انجمن آذربایجان شاهد این مدعا است.

با گذشت زمان انتقاد محمدعلی شاه به عملکرد انجمن‌ها صورت جدی به خود گرفت و پیشنهاد اخراج و کلایی که متهم به مشارکت در توطئه‌چینی آن انجمن‌ها بودند، مطرح شد.^۲ اما مجلس نتوانست تصمیم قاطعی در این زمینه اتخاذ کند و دست‌خط شاه که رسماً از مجلس می‌خواست در کار انجمن‌ها دخالت کند، هنوز به قوت خود باقی بود. با وجود این، گفت‌وگوی نمایندگان مجلس در مورد لزوم تدوین قانون انجمن‌های سیاسی برای نخستین بار در مجلس مطرح شد. مجلس در وضعیتی دوگانه نسبت به عملکرد انجمن‌ها به سر می‌برد؛ از سویی خواستار توقف حرکات برخی انجمن‌های افراطی بود و از سوی دیگر به دلیل مغایرت با قانون اساسی و جوئی که این انجمن‌ها می‌توانستند در جامعه القا کنند، علناً کاری نمی‌توانست از پیش ببرد.

اگرچه مجلس و دولت نیز مانند شاه از رفتار انجمن‌ها و جراید وابسته به آنها انتقاد داشتند، اما نشانه جلی و در خور اهمیتی از اقدام مجلس و دولت که تصمیم‌گیرندگان اصلی بودند، وجود ندارد. در چنین شرایط حساسی که شاه به مجلس و دولت فشار می‌آورد تا تکلیف نظام‌نامه انجمن‌ها را روشن کنند، هم‌زمان انحلال چند انجمن را نیز از دولت خواستار

شد، اما مجلس در این مورد اقدامی نکرد و سرانجام به اشاره محمدعلی‌شاه سواران آذربایجانی وارد تهران شدند و همین موضوع موجب اعتراض شدید نمایندگان مجلس شد که در این زمان بوی کودتا را استشمام کرده بودند و انجمن‌ها نیز بیکار ننشستند و مردم را تحریک کردند تا جایی که شاه دوباره از هیئت دولت خواست «سریعاً اقداماتی علیه انجمن‌ها که مردم را به شورش و بلوا تحریک می‌کنند به عمل آورده... در غیر این صورت ناگزیر او خود برقراری نظم و آرامش را برعهده خواهد گرفت...» (قاسمیان، ۱۳۶۶، ج ۱). این کشاکش بین مجلس و شاه با فراز و نشیب زیادی هم‌چنان برقرار بود تا این‌که حادثه نارنجک‌انداختن به سوی اتومبیل شاه پیش آمد و عملاً همه چیز را میان مجلس و شاه تمام کرد. هر چند مجلس، گروه افراطیون و نارنجک‌انداختن به اتومبیل شاه را به شدت شماتت کرد، اما انجمن‌ها جری‌تر از آن بودند که به این انتقادات گوش فرا دهند و حداقل دست از خشونت‌گریان بردارند. حتی هنگامی که احتشام‌السلطنه رئیس مجلس چند روز قبل از استعفا در جلسه رسمی مجلس به دلیل اهانت مدیر انجمن دروازه قزوین (که در این زمان عضو گروه اجتماع‌یون بود) به معین‌التجار (یکی از نمایندگان) او را از تالار مجلس اخراج و برای چند ساعت بازداشت کرد، دسته مسلح انجمن‌های افراطی، شبانه به خانه احتشام‌السلطنه ریختند و از او استعفا نامه خواستند (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۴۹-۵۱)؛ درحالی‌که وی قبلاً استعفای خود را به مجلس تقدیم کرده بود (نک. علامیر، ۱۳۶۶: ۶۴۳).

از سوی دیگر روابط محمدعلی‌شاه با مجلس نیز، پس از برهم خوردن محاکمه‌عاملان سوءقصد و از سویی اهمال در رسیدگی به نظام‌نامه انجمن‌ها، به بالاترین حد تیرگی رسید تا جایی که نمایندگان مجلس و انجمن‌های پایتخت را به سودای آشتی و تفاهم با سلطنت سوق داد، اما دیگر خیلی دیر شده بود و شاه تصمیم خود را مبنی بر حمله به مجلس گرفته بود. مجلس که از ابتدای عملکرد انجمن‌ها به رویه آنها خصوصاً بخش افراطی آن انتقاد داشت، این بار لایحه یا نامه انجمن‌ها را که تقریباً به امضای تمام انجمن‌ها رسیده بود، در جلسه رسمی خود قرائت کرد که در آن از ضرورت وحدت بین دولت و ملت سخن رفته بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۶ ربیع الثانی، ۱۳۲۶). از نظر دستور پارلمانی، این اولین و آخرین بار بود که لایحه انجمن‌ها مورد بحث و تصمیم‌گیری مجلس قرار گرفت... و دور نیست که آن لایحه به اشاره و با صواب دید رهبران مجلس نوشته شده باشد (آدمیت، بی‌تا: ۳۰۶-۳۰۷).

در یک جمع‌بندی کلی درباره مجلس و انجمن‌ها باید گفت: به‌رغم همه تلاش‌ها و نوشته‌هایی که در مورد دلایل وقوع کودتا ذکر شده، چند عامل دارای برجستگی است؛ نخست

انجمن‌ها و جراید وابسته به آنها و سپس روحيات شخصی و تمایلات فردی محمدعلی شاه که به هیچ روی نظام مشروطیت را بر نمی‌تابید. اما نقش مجلسی در این میان اهمیت ویژه‌ای داشت، چون مجلس در مقام تنها مجرای قانونگذاری کشور در امور، بسیار مسامحه می‌کرد. هر چند مجلس برای پیشبرد منویات خود دچار محدودیت‌هایی بود، اما این تسامح به اندازه‌ای بود که احسن‌الدوله و طباطبایی؛ دوتن از نمایندگان در نطقی دربارهٔ برخورد با افراطیون، به رویه مجلس اعتراض کردند (نک. آدمیت، بی‌تا: ۱۴۶-۱۴۷). آنچه مشخص است این‌که، متأسفانه نمایندگان به‌شدت تحت تأثیر حال و هوای خارج از مجلس بودند که بخشی از آن، آفریده عملکرد انجمن‌ها و جراید وابسته به آنها بود که در قسمت بعدی به گوشه‌هایی از رابطه جراید و انجمن‌ها خواهیم پرداخت.

۴. بررسی کارنامهٔ جراید، انجمن‌ها و مجلس

به‌رغم مشخص شدن و تفکیک وظایف هر یک از ارکان جدید حاکمیت در قانون اساسی، متأسفانه مهمترین چالش پس از پیروزی مشروطه، نحوهٔ توزیع و تنظیم قدرت سیاسی میان ارکان حکومت است که کارکرد سایر نهادها و مؤسسات بر مبنای آن استوار بود. این مسئله تا پایان مجلس اول در تمام حوادث کشور نمود عینی داشت.

بی‌تردید مجلس، جراید رادیکال، انجمن‌ها و دولت (در شکلی جدید آن) چهار عنصری‌اند که مهم‌ترین وقایع کشور را در دوران پس از مشروطیت رقم زدند و پُر واضح است که تحلیل و ارزیابی نقش هر یک، در وقایع کشور، فصل جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما ما در این قسمت بیشتر به روابط آنها با یکدیگر خواهیم پرداخت، چون معتقدیم برای شناخت هسته اصلی تحولات و هرگونه ارزیابی دیگر، این مهم ضروری است. جراید رادیکال که در جریان انقلاب مشروطیت حیات مجددی گرفتند، انتظارات جدیدی را در فضای پرتلهاب آن روز کشور به‌وجود آوردند. مجلس شورای ملی که برآمده از بطن مشروطیت بود، در ابتدای کنار سعی داشت به شیوه دموکراتیک با مسائل برخورد کند، از این‌رو در برابر برخی مصادیق عینی جامعه که گاه چهره خشن به خود می‌گرفت، مقاومت جدی نمی‌کرد.

عمدهٔ مطالب مطبوعات انقلابی فعال در داخل و خارج کشور قبل از استقرار نظام مشروطیت در ایران، دربارهٔ اجرای قانون و استقرار عدالت و آزادی در ایران بود که حملات تند به ارکان حکومت و شخص پادشاه از مختصات روزنامه‌نگاری این دوره است، که با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بود و از این نظر، مطبوعات فارسی خارج از کشور گوی سبقت را رفته بودند. اما با استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس شورای ملی، توقع این بود که ادبیات نگارشی چنین مطبوعاتی تغییر کند و به‌نوعی مباحث قانون، عدالت و آزادی برای اجرا در

کشور نهادینه شود. با این همه، این جراید پس از افتتاح مجلس باز همان ادبیات را به خدمت گرفتند و به برخی ارکان همچنان می‌تاختند. برخی محققان نظیر «فریدون آدمیت» به همین دلیل با این گونه مطبوعات و عملکرد آنها مخالفت می‌کردند و لفظ ارگان را برای جراید طرفدار انجمن‌های افراطی به کار می‌بردند، چون برخی از آنها از اقدامات بعضی انجمن‌ها حمایت می‌کردند.

یکی از دشوارترین کارهای محقق، به‌ویژه در مسائل تاریخی و اجتماعی، انتخاب و معرفی دلیل اصلی یک واقعه پیچیده است. در ایران پس از مشروطیت دقیقاً همین حالت وجود دارد. مطالعه جراید انقلابی، به‌خوبی نشان می‌دهد که دغدغه روزنامه‌نگاران آن روز چه موضوعات مهمی بوده است و امروز که در آن سطور مطالعه و مذاقه می‌شود، چیزی جز شهامت، دلبری و آگاهی مدیران جراید از بطن جامعه ایرانی متصور نیست. اما همین نوشته‌ها به نحو فزاینده‌ای روابط میان مجلس و دولت را تحت تأثیر قرار داده بود. مثلاً در موضوع مشروطه‌خواهی محمدعلی شاه یا امین‌السلطان در حالی جراید رادیکال کاملاً نظر منفی داشتند، اما مجلس و دولت در این مورد به‌گونه‌ای دیگر می‌اندیشیدند. تعارض دیدگاه میان «انجمن‌ها و جراید رادیکال» و «مجلس و دولت» هیچ‌گاه روند ثابتی را طی نکرد و همواره در فراز و نشیب بود.

مجلس و دولت به‌منزله ارکان قدرت در کشور از یک‌سو، دو تشکل رسمی ضامن حکومت محسوب می‌شدند که قدرت فراوانی نیز داشتند، اما هر چه بود، نتوانستند یا نخواستند از توانایی خود استفاده کنند. پرواضح است که وجود لایه‌های محافظ‌کار در مجلس و دولت در این زمان، عملاً هرگونه اقدام انقلابی را که انجمن‌ها و جراید رادیکال پشتیبان آن بودند، خنثی می‌کرد. به همین دلیل مجلس و دولت در این دوره مواضع خنثی یا بی‌تأثیری در مسائل جاری کشور اتخاذ می‌کردند. در قسمت‌های قبلی، تعارضات «مجلس و انجمن‌ها» و «جراید و مجلس» همراه با مستندات مطرح شد، اما همین‌جا باید این نکته را تصریح کرد که به هر حال، مجلس شورای ملی در بسیاری از موارد با شور انقلابی همراهی می‌کرد و در بسیاری از موارد مقابل جریان‌ات انقلابی ایستادگی می‌نمود. همین وضعیت برای مطبوعات رادیکال نیز متصور است با این تفاوت که مجلس یک نهاد واحد بود، اما جراید رادیکال نهادی متکثر بودند و طبیعی است که اتخاذ مواضع در کثرت از تنوع و گاه تقابل برخوردار است. به همین دلیل گاهی اوقات، روزنامه «حبل‌المتین» به‌شدت در مقابل مجلس ایستادگی می‌کرد، البته در حالت انتقادی؛ اما سایر جراید در مواضع خود این حدت و شدت را به خرج نمی‌دادند و از مجلس تمکین می‌کردند (نک. روزنامه صور اسرافیل، شماره ۱۵ و ۲۹ رمضان ۱۳۲۵: ۱).

البته باید توجه داشت که این رویه، روندی ثابت نداشت؛ به عبارتی هنگامی که مجلس و جراید در اتخاذ مواضع اشتراک داشتند، تقریباً جراید به مجلس در امور تأسی می‌کردند، اما آن جا که احساس می‌کردند، مجلس با آنها سر تقابل دارد و قصد محدود کردن آزادی (که در این زمان یکی از پرچالش‌ترین مباحث بود) را کرده است، برای این‌که در این زمینه برخی حریم‌ها و محدوده‌ها را در نظر بگیرند، عکس‌العمل‌های بسیار تند و آتشین نشان می‌دادند. برای مثال، هنگامی که دولت اتابک، لایحه مطبوعات را برای تصویب به مجلس تقدیم کرد و به نوعی نظارت و کنترل بر عملکرد مطبوعات را در خود داشت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۳ جمادی‌الثانی (۱۳۲۵)).

در این زمان به دلیل فشار فزاینده جراید انقلابی و تندرو - به‌ویژه حمله ثابت به ارکان سلطنت - دولت را وادار کرد درحالی‌که هنوز فصل آزادی انطباعات در قانون اساسی تصویب نشده بود، لایحه مطبوعات را به مجلس تقدیم نماید که همین امر، هفت ماه تصویب لایحه مذکور را به تعویق انداخت. رفتار مطبوعات انقلابی که شدیداً تحت تأثیر محیط آزادی و مشکلات کشور بود، برخی نمایندگان را به فکر انداخت تا تصویب نهایی لایحه مطبوعات از ادامه فعالیت برخی از آنها جلوگیری کنند که روزنامه «حبل‌المتین» در واکنش به اظهارات برخی نمایندگان آن را پیشنهادی عجیب و غیرواقعی قلمداد و نقد نمود (نک. روزنامه حبل‌المتین تهران، ۱۳۲۵-۲۳، جمادی‌الاول: ۱-۲). براین اساس انقلاب مشروطه مرز ایران قدیم و جدید است که هدف از آن، افزایش حکومت مرکزی و ایجاد نظام سیاسی یکدست بود ولی در عمل و در پاسخ به آشفته‌گی‌هایی پدیدار شده، به افزایش کمیّت و تمرکز منابع قدرت سیاسی منتج شد (خلیلی، کشاورز شکری، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

در کشمکش میان مجلس و جراید و حتی انجمن‌ها، نقش دولت از زاویه‌ای دیگر قابل بررسی است. دولت در این زمان وظیفه ارائه لایحه به مجلس را داشت، که هرج و مرج‌های داخلی، تعریف نشدن وظایف نهادها، پاسخگو نبودن وزراء در برابر مجلس، تأثیرپذیری بالای دولت از شاه، تنظیم نشدن نظام‌نامه‌ها برای فعالیت مطبوعات و انجمن‌ها، شاید عمده‌ترین ایرادهای مطروحه دولت باشد. اما نباید در این قضاوت شتاب کرد. چراکه در وضعیتی که قانون اساسی و متمم آن هنوز تکلیف بسیاری از فصول قانون اساسی را معین نکرده بود و دولت تازه کار هنوز حال و هوای فضای استبداد را در سر داشت، شاید این توقع از دولت به نوعی «تکلیف ما لایطاق» بود. هر چند که نباید از تسامح دولت نسبت به وضعیت داخلی کشور - خصوصاً بحث امنیت - که جراید و انجمن‌ها همواره به حق از آن شکوه داشتند، چشم‌پوشی کرد.

در این رابطه اگرچه عملکرد جراید و انجمن‌ها بواسطه انتقادهای گسترده آنها از وضع کشور و به‌ویژه شخص پادشاه کاملاً نمود عینی داشت و حتی برخی نویسندگان مانند «مجدالاسلام کرمانی» که خود در متن حوادث مشروطه بود، «هتاکی و هرزه‌درآئی» مطبوعات تندرو را اسباب سقوط مجلس اول بر می‌شمرد (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۲۷)؛ اما عدم تعامل میان مجلس و دولت بر سر برخی لوايح و... از اصلی‌ترین عوامل سقوط مجلس بود. اعلامیه کودتای محمدعلی شاه علیه مجلس (نک. کسروی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۵۸) حاوی نکات قابل توجهی است. در این فرمان، اگرچه انجمن‌های بی‌نظامنامه، روزنامه‌ها و ناطقین مجلس عامل هرج و مرج در کشور معرفی شده‌اند اما نکته مهم آن است که در این فرمان، شاه، حمایت مجلس از انجمن‌ها و جراید تندرو را عامل اصلی اتفاقات دانسته و به همین دلیل انحلال مجلس را یگانه راه‌حل فائق آمدن بر مشکلات تلقی نمود که البته این یک بهانه بیش نبود. چرا که با انحلال مجلس، انجمن‌ها منحل و مطبوعات تعطیل و سخنرانی سیاسی موقوف شد (آدمیت، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۳). اگرچه در فرمان‌های بعدی که به‌نوعی فشارهای داخلی و خارجی در صدور آنها تأثیر بسزایی داشت، کم‌کم موضع محمدعلی شاه معتدل‌تر شد، اما یک مسئله در این میان اهمیت دارد و آن ماندگاری مشروطیت در دل و بطن استبداد است، به‌گونه‌ای که صاحب اراده خشنی چون محمدعلی شاه در فرمان خود مجدداً برپایی مجلس را وعده داد.

ارزیابی و تحلیل رفتار مجلس در این دوره و در قبال روش عملکرد انجمن‌ها و برخی مطبوعات به اندازه‌ای پیچیده و مبهم است (زیباکلام، باقری ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۴۰) که برخی صاحب‌نظران آن را به مسامحه مجلس و اعتقاد ذاتی نمایندگان به «اصل آزادی» نسبت داده‌اند و برخی دیگر آن را ناشی از ذکاوت مجلسیان برای ندادن بهانه به مخالفین جهت انحراف مشروطه دانسته‌اند. زیرا برای بسیاری از نمایندگان مجلس این گمان وجود داشت که اگر به شاه در پاسداری از مشروطه اعتماد کنند، او اخلاقاً متعهد می‌شود که از روند دموکراتیک پشتیبانی نماید و لذا این نمایندگان بر خلاف نمایندگان آذربایجان - به دلیل سوابق او در دوران ولایتعهدی - که بر انداختن محمدعلی شاه هدف آنان بود، از هر گونه برخورد خصمانه با شاه احتراز داشتند (آوری، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

به همین دلیل مجلس که گاه به روش انجمن‌ها و برخی جراید انقلابی انتقاد داشت، هیچ‌گاه خشونت را با خشونت پاسخ نگفت و در موارد نادری مانند توقیف «صور اسرافیل» - که خود روزنامه آن را پذیرفت - همواره روشی مدارانه‌گونه را برای پیشبرد امور در پی می‌گرفت. لذا پذیرفتن مطلق این واقعیت که مجلس حامی جراید و انجمن‌های تندرو بود، به

نظر نمی‌رسد با توجه به عملکرد مجلس، صحیح باشد. چون پذیرفتن این موضوع، مسیر و سطح تحلیل ما را دربارهٔ مسائل کودتا و... تغییر می‌دهد. از سویی مجموعه روابط مجلس، جراید و انجمن‌های تندرو که نمایندگان طرفدار آنها در مجلس حضور داشتند، خلاف این موضوع است (نک. دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۸۱).

جمع‌بندی

الف. انجمن‌های صدر مشروطه اگرچه در تحولات و حوادث مجلس اول نقش به‌سزایی داشتند، اما مسئله اساسی که منجر به سقوط مجلس شد، فراتر از نقش‌آفرینی انجمن‌ها بود و در حقیقت موضوع اصلی به درگیری میان شاه و مجلس بر سر ساختار آینده حکومت و حدود و ثغور ارکان آن باز می‌گشت. به‌نظر می‌رسد برجسته کردن عملکرد انجمن‌ها در ماجرای سقوط مجلس اول، ناشی از قدرت فراوان و تأثیرگذار آنها بوده است که به‌دلیل نوع تعامل مجلس و دولت، آنها را وادار به اتخاذ مواضع تند در قبال مسائل کشور می‌کرده که از این جهت باید در تحلیل حوادث مجلس اول نقش هر یک از عوامل به صورت منطقی مورد بررسی قرار گیرد.

ب. ترکیب نیروهای عمل‌کننده در مجلس و بیرون از مجلس به‌ویژه در صحنه اجتماعی کشور مانند خاستگاه آنها بسیار متفاوت بود. واقعیت این است که طیف بیرون از مجلس به لحاظ سطح و نوع تقاضای سیاسی و اجتماعی در موارد زیادی بر عملکرد مجلس تأثیر داشتند. اما به‌دلایلی که ذکر شد درگیری میان مجلس، دولت و پادشاه مجالی برای تعامل منطقی آنها با سایر ارکان حاکمیت باقی نمی‌گذاشت. در حقیقت رفتار انجمن‌ها تابع وضعیت و نوع تعامل قوای کشور با یکدیگر بود. اگرچه شواهد زیادی وجود دارد که مطبوعات و انجمن‌های تندرو در مواردی پا را از قانون و حدود متعارف فراتر نهادند؛ اما در سوی دیگر، عوامل مهمی زمینه‌ساز چنین رفتاری بودند.

ج. تداوم قصور مجلس در اعتماد گسترده به محمدعلی شاه که یکبار در موضوع توشیح متمم قانون اساسی آن را آزموده بود و از سوی دیگر تعلل در تصویب نظامنامه انجمن‌ها و قانون مطبوعات که بارها از سوی شاه درخواست شده بود، سرانجام اسباب بهانه جویی برای مخالفین مشروطه را فراهم کرد. انجمن‌ها و برخی مطبوعات نیز با مشاهده تحركات جدید شاه و دولت، بر حجم انتقادات تند خود افزودند تا جایی‌که در روز حمله به مجلس بسیاری از انجمن‌ها به صورت مسلح به مقابله پرداختند. با این حال آنچه که مشخص است محمدعلی شاه بر حجب‌ظاهر، رفتار انجمن‌ها را بهانه حمله به مجلس قرار داد و هرزمان وعدهٔ افتتاح مجلس را نیز مطرح کرد، اما دوره تاریخی استبداد صغیر نشان داد که تا چه اندازه این وعده درست بوده است. در این رابطه شدت

برخورد محمدعلی شاه با ارباب جراید و برخی سران انجمن‌ها پس از کودتا و قتل فجیعانه برخی از آنها از جمله مدیر روزنامه صور اسرافیل، در دوران پس از مشروطه، نشان از عمق کینه شاه و نارضایتی از حوادث مشروطه داشت.

د. مطالعه مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در آخرین روزهای قبل از به توپ بسته شدن مجلس، به خوبی هیجان موجود در میان نمایندگان را نشان می‌دهد. با این حال مشروح مذاکرات مجلس از تاریخ بیستم تا بیست و سوم که اوج روزهای درگیری بین مجلس و دولت بوده، متأسفانه وجود ندارد تا بتوان تحلیل دقیق‌تری از فضای آخرین ساعات مجلس ارائه کرد. اما آنچه که مشخص است تا آخرین لحظه از عمر مجلس، نمایندگان منتظر بودند پاسخ نامه آنها از سوی شاه واصل شود. نامه فوق (لایحه) که آخرین تلاش مجلس برای برطرف کردن کدورت با شاه و خاتمه دادن به اوضاع اسفناک ایالات و نقض گسترده قانون اساسی در کشور بود، بازگو کننده عمق بحران در ساختار سیاسی و مناسبات اجتماعی در کشور بود.

یادداشت‌ها

۱. عباس آقا صرف تبریزی که از اعضای انجمن آذربایجان بود و با هدایت حیدرخان عمواغلی که در این زمان عضو حوزه مخفی اجتماعیون عامیون تهران بود، امین‌السلطان را در راه مجلس ترور کرد و پس از تعقیب مأموران خود را با ضرب گلوله از پای درآورد. انجمن آذربایجان گور وی را گل‌ریزان کرد و او را شهید راه وطن نامید، اما پس از کودتا، قبر وی را شکافتند و استخوانش را به آتش کشیدند.
۲. سیدحسن تقی‌زاده یکی از مظنونان بود.
۳. ترور محمدعلی شاه به دست گروه انقلابی و به رهبری حیدرخان عمواغلی و حوزه اجتماعیون عامیون تهران با مشارکت انجمن آذربایجان صورت گرفت، که به هنگام عزیمت شاه به دوشان‌تپه در ۲۵ محرم ۱۳۲۶ هجری به وقوع پیوست.

کتابنامه

آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فضاحی، تهران، نشر نی.

آدمیت، فریدون (بی‌تا) *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، انتشارات روشنگران.
آوری، پیتیر (۱۳۷۹)، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی.

خارابی، فاروق (۱۳۸۶)، *انجمن‌های صدر مشروطه*، بی‌جا: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- خاطراتی از ممتازالدوله (۱۳۵۲)، مجله خاطرات وحید، شماره ۱۸.
- خلیلی، محسن و کشاورز شکری، عباس (۱۳۸۶)، «اندیشه تأسیس دولت مرکزی پس از انقلاب مشروطه»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال ۳، شماره ۲.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوسی.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷)، فراموشخانه و فراماسوئری در ایران، تهران: امیرکبیر.
- روزنامه حبل المتین، بخش میکرو فیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- روزنامه صور اسرافیل، شماره ۱۵ و ۲۹ رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه مساوات، بخش میکرو فیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- زیباکلام، صادق و باقری ده‌آبادی، علیرضا (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی ایران در دهه اول مشروطیت»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲.
- شجیعی، زهرا (۱۳۴۴)، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- صدرهاشمی، محمد (بی‌تا)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: چاپخانه اصفهان.
- علامیر، محمودخان (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام السلطنه، به‌کوشش محمدمهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار.
- قاسمیان، حسن (۱۳۶۶)، کتاب نارنجی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجار، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
- کسروی، احمد (۱۳۶۲)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحطاط مجلس، فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات بعث.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳)، مقدمات مشروطیت، به‌کوشش مجید تفرشی و جواد جانفدا، تهران: انتشارات فردوسی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، به نشانی www.ical.ir.
- مولانا، حمید (۱۳۵۸)، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: دانشکده ارتباطات اجتماعی.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۷)، صور اسرافیل، تهران: چاپ فراین.